تصاویر جدید انصارالله از کشتی اسرائیلی همزمان با بی‌سابقه‌ترین حمله موشکی به تل‌آویو
منجر به دست‌بالای مقاومت در مذاکرات آتش‌بس می‌شود

عصای موسی

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

بالاخره بعد از ۴۵ روز از آغاز عملیات طوفان الاقصی و حملات صهیونیست‌ها به غزه به نظر می‌رسد آنها ناچار به پذیرش وقفه‌ای بشردوستانه خواهند شد تا بخشی از اسرای اسرائیلی آزاد شود و کمی از فشار افکار عمومی دنیا روی خود را کم کنند. احتمالا بخشی از مفاد این توافق نیز ناظر به آزادی اسرای صهیونیست و کم کردن محاصره غزه برای ورود دارو و سوخت اتفاق خواهد افتاد. به نظر می‌رسد شرایط آن طور که مورد انتظار صهیونیست‌ها بود پیش نرفت. درحالی‌که عملیات زمینی به غزه و ورود به بیمارستان الشفا نیز اسرائیلی‌ها را به هدف خود نرساند. به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها مجبور خواهند شد آتش‌بس موقت را بپذیرند. برای بررسی استراتژی و پاسخ صهیونیست‌ها پای حرف منصور براتی و محسن فائضی دو نفر از کارشناسان حوزه اسرائیل نشسته‌ایم. مشروح این گفت‌وگوها را در ادامه می‌خوانید.

وقفه بشردوستانه در غزه دستور کار غربی‌ها

براتی، کارشناس مسائل اسرائیل ضمن محتمل دانستن برقراری یک آتش‌بس موقت به این موضوع تاکید کرد که غربی‌ها به دنبال تحقق یک وقفه بشردوستانه و نه آتش‌بس به مفهوم واقعی آن هستند. وی افزود: «به نظر می‌رسد زمینه‌ها برای دست‌کم یک وقفه در جنگ در حال فراهم شدن است، مساله‌ای که برای غربی‌ها و در فضای بین‌المللی تعیین‌کننده است، این است که رژیم صهیونیستی جنگ را آغاز نکرده و این حماس بوده که جنگ را آغاز کرده است، در کنار همین ماجرا کشورهای غربی از جمله بریتانیا، آلمان و آمریکا تاکید می‌کنند که نباید آتش‌بس برقرار شود؛ چراکه آتش‌بس توافقی کلی است و به توقف جنگ اشاره دارد که معطوف به مذاکرات ترک مخاصمه است، یعنی بعد از برقراری آتش‌بس، بناست اولا طولانی باشد و اینکه مذاکرات ترک مخاصمه بین دو طرف آغاز شود، به همین خاطر از این مفهوم استفاده نمی‌شود. اما چون فعلا قرار نیست چنین مذاکراتی در دستورکار اسرائیل باشد، چون حماس شروع‌کننده جنگ است و از نظر غربی‌ها باید تنبیه بشود، فعلا از این مفهوم استفاده نمی‌شود و از مفهوم وقفه بشردوستانه، استفاده می‌کنند.»

قطعنامه شورای امنیت؛ زمینه‌ساز برقراری وقفه بشردوستانه در جنگ غزه

براتی تصویب قطعنامه اخیر شورای امنیت را زمینه‌ساز برقراری آتش‌بس موقت اخیر میان رژیم صهیونیستی و حماس دانست و گفت: «در روز ۱۶ نوامبر (۲۴آبان) اتفاقی که افتاد این بود که بالاخره بعد از چهار قطعنامه که شورای امنیت سازمان ملل درمورد آن رای‌گیری می‌کرد و هیچ کدام رای نیاورد و همه به یک دلیلی وتو شده بودند، یک قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل رای آورد که یک قطعنامه غیرسیاسی بود و همه طرف‌ها از آن حمایت کردند و فقط چند عضو شورای امنیت به آن رای خنثی دادند. تاکید این قطعنامه روی وقفه‌های بشردوستانه فوری و طولانی‌مدت است. این قطعنامه زمینه را برای اینکه یک توقفی در جنگ به وجود بیاید، فراهم کرده و در واقع زمینه و اساس بحث‌های بعدی بین کشورهای مختلفی که در حال تاثیرگذاری هستند و همچنین بین رژیم صهیونیستی و حماس برای تحقق آتش‌بس فراهم آورده است.» براتی در ادامه به مفاد وقفه در جنگ رژیم صهیونیستی و غزه هم اشاره کرد و گفت: «به نظر می‌رسد که دو طرف در حال توافق بر موضوعاتی هستند و فعلا یک توافق کلی به دست آمده و درمورد ریز مسائل هنوز توافقاتی صورت نگرفته است. درمورد مفاد این توافق، مسائلی از جمله آزاد شدن ۵۰ تا ۸۷ نفر از افرادی که به اسارت گروه‌های فلسطینی درآمدند مطرح است و باید ببینیم که نهایتا چه تعدادی از این افراد در این بازه آزاد می‌شوند که گفته می‌شود کلا ۲۴۰ نفر اسیر هستند که بین ۵۰ تا ۸۷ نفر آنها احتمالا آزاد می‌شوند. قرار است ۳۴ نفر از خارجی‌هایی که به اسارت درآمده‌اند و ۵۳ اسرائیلی آزاد شوند. ممکن است از این تعداد در فاز اول تعداد کمی آزاد شوند. در ازای آزادی افراد قرار است دو طرف پنج روز جنگ را متوقف کنند، کمک‌های بشردوستانه زیادی از جمله سوخت و غذا وارد غزه شود و یک تعدادی از فلسطینی‌هایی که در این مدت توسط صهیونیست‌ها زندانی شدند آزاد شوند که عمده آنها قرار است زنان و کودکان باشند و تعدادی هم زندانیان امنیتی هستند که در این مورد هنوز تعداد مشخص نشده است. زمینه بحث درمورد قطعنامه شورای امنیت به دست آمده و در دست‌کم یک هفته یا ۱۰ روز آینده این وقفه را در جنگ خواهیم داشت و احتمالا اولین وقفه در جنگ رژیم صهیونیستی با غزه به وجود خواهد آمد.»

براتی درباره تاثیری که این وقفه بشردوستانه بر جنگ و سرنوشت آن خواهد گذاشت، گفت: «دو تحلیل درمورد تاثیر وقفه بشردوستانه بر جنگ مطرح است که ما نمی‌دانیم کدامش محقق می‌شود اما احتمال محقق شدن یکی از آنها بیشتر است. تحلیل اول این است که رژیم صهیونیستی با آتش‌بس موقت موافقت کرده و تا حدی از زیر فشارهای حقوق بشری بیرون بیاید. پس از آن اسرائیل با اقتدار و شدت عمل بیشتری جنگ را ادامه می‌دهد. تحلیل دوم این است که پس از ایجاد وقفه در جنگ ایده طولانی کردن آتش‌بس پیگیری شود. این وقفه به این معنا نیست که صرفا قرار است پنج روز جنگ متوقف شده و پس از آن درگیری‌ها از سر گرفته شود. در آن مدتی که وقفه در جنگ ایجاد می‌شود فشارهای بین‌المللی زیاد شده و تلاش طرف‌هایی که این وقفه را به وجود آوردند یعنی آمریکایی‌ها، قطری‌ها و مصری‌ها خیلی زیاد خواهد شد برای اینکه بین دو طرف یک فضای گفت‌وگو و مذاکره به وجود بیاید. وقتی که این وقفه به وجود بیاید چنین گفت‌وگویی آسان‌تر است چون دو طرف یک مقداری در برخی حوزه‌ها به توافق رسیده‌اند. مثلا برخی اسرا آزاد شده و در قبالش یک سری کمک‌ها به غزه می‌شود. برای همین احتمالا تحلیل دوم درست است و تاثیر این وقفه بشردوستانه روی جنگ این است که بازگشت به آن سخت‌تر شده و هزینه‌های آن از نظر حیثیتی برای رژیم صهیونیستی زیادتر می‌شود. لذا احتمال این وجود دارد که این وقفه بعد از پنج روز تمام نشده و بیشتر تمدید شود تا اینکه فضا برای یک آتش‌بس طولانی‌تر آماده شود.»

گسترش جبهه‌های جنگ با راهبرد اسرائیلی‌ها جور نیست

براتی در ادامه اشاره‌ای به موضوع توقیف کشتی اسرائیلی توسط یمنی‌ها و رفتار صهیونیست‌ها با این اتفاق کرد و گفت: «هدف در این اقدام این است که مقداری راهبرد وحدت بین میدان‌ها که در یکی دو سال اخیر و بعد از ۲۰۲۱ میان گروه‌های مقاومت درباره آن صحبت می‌شد، محقق شود، یعنی بخش‌های مختلف محور مقاومت هر کدام به فراخور وضعیت و توانمندی‌هایی که دارند سهمی در مقابله با رژیم صهیونیستی به عهده بگیرند. مثلا در این جنگ حزب‌الله تا یک سطحی ورود می‌کند، یمنی‌ها تا یک سطحی، گروه‌های عراقی در یک سطح دیگر ورود می‌کنند. اقداماتی که یمنی‌ها انجام می‌دهند، باید در این بازه تحلیل و ارزیابی شود، یعنی درصدد هستند که سطحی از راهبرد را محقق کنند اما سهم یمنی‌ها خیلی زیاد نیست و گرفتن این کشتی بیشتر تاثیر نمادین دارد برای اینکه تمرکز اسرائیلی‌ها بر جبهه‌های جنگ کمتر شود اما تاثیر مستقیمی نمی‌تواند روی جنگ و جبهه جنگ داشته باشد و احتمالا صهیونیست‌ها هم همان‌طور که تاالان واکنش مستقیمی به یمنی‌ها نشان ندادند، در ادامه هم نشان نخواهند داد؛ چراکه در شرایط فعلی، گسترش جبهه‌های جنگ با راهبرد اسرائیلی‌ها جور نیست و با منافع‌شان هماهنگی ندارد و آنها می‌خواهند هرطور شده از ورود طرف‌های ثالث به جنگ جلوگیری کنند؛ حالا این طرف ثالث چه ایران باشد، چه حزب‌الله یا هر طرف دیگری که بخواهد جانب فلسطینی‌ها را بگیرد، چون در این صورت اینها نمی‌توانند بر غزه و جبهه‌های جنگ تمرکز داشته باشند و به همین خاطر احتمالا صهیونیست‌ها تلاش خواهند کرد این مساله را از طریق آمریکایی‌ها و فشار آنها حل کنند و بعید است بخواهند حمله‌ای به یمن داشته باشند.»

حمله رژیم صهیونیستی به مدارس و بیمارستان‌ها با هدف ایجاد شکاف میان مردم غزه و حماس

سردرگمی صهیونیست‌ها در وهله اول و تعیین استراتژی آنها برای ادامه جنگ موضوعی بود که براتی در ادامه به آن اشاره کرد و توضیح داد: «در روزهای اول جنگ، این سردرگمی واقعا وجود داشت به دلیل اینکه ضربه‌ای که رژیم صهیونیستی دریافت کرده بود، ضربه استراتژیکی بود و اساسا آمادگی پذیرش این ضربه را نداشت و غافلگیر شده بود؛ مثل یک حیوان زخم‌خورده به خود می‌پیچید و به طرف مقابل حملات کور می‌کرد در مورد روزهای اول می‌شود این موضوع را مطرح کرد اما در ادامه جنگ، اهداف اصلی صهیونیست‌ها مشخص شد؛ گفته می‌شود از بین بردن حماس هدف بود، خود صهیونیست‌ها هم می‌دانند کار بسیار سختی است اما نمی‌شود چنین چیزی را مطرح نکرد. مثلا در روزهای اول پرواضح بود که آنها به غزه حمله زمینی خواهند داشت. با اینکه ۲۱ روز طول کشید تا صهیونیست‌ها بخواهند حمله زمینی علیه غزه را آغاز کنند. در حال حاضر به نظر می‌رسد حمله به این مراکز مثل مدارس و بیمارستان‌ها یکی از اهدافش این بود که رژیم صهیونیستی اقداماتی را رقم بزند که مردم، در غزه مخالف گروه‌های مقاومت بشوند. یعنی این تصور شکل بگیرد که گروه‌های مقاومت حمله کردند و ضربه‌ای به اسرائیل زدند و حالا ما داریم تاوان آن را می‌دهیم. حتی به بیمارستان حمله می‌کند، به مدارس سازمان ملل حمله می‌کنند و هیچ حد و حصری ندارد و آن را آگاهانه انجام می‌دهند. هدف دوم این است که تعداد تلفات فلسطینی تا می‌تواند زیاد شود. وقتی ۱۵۰۰ اسرائیلی کشته شده، حالا باید ۱۰ برابر این یا حتی بیشتر از آن فلسطینی کشته شود، تا رژیم صهیونیستی بتواند هم در داخل، در برابر جامعه و هم در برابر خارجی‌ها، برتری خود را حفظ کند. فعلا گفته می‌شود که تلفات طرف فلسطینی به حدود ۱۲هزار نفر رسیده است. رفتار صهیونیست‌ها نشان می‌دهد به دنبال افزایش تلفات فلسطینی‌هاست و انتظار می‌رود این عدد به ۱۵هزار نفر برسد و ممکن است تا ۲۰ هزار نفر افزایش پیدا کند، به این دلیل که اسرائیلی‌ها نمی‌توانند پاسخگوی جامعه خودشان و کشورهای دیگر باشند که خیلی روی قدرت و دستگاه امنیتی و نظامی اسرائیل و ارتش آن حساب باز می‌کردند. برای همین باید کشته‌شدگان فلسطینی‌ها خیلی زیادتر از این حد بشود و این یکی از اهداف استراتژیک صهیونیست‌هاست.»

هدف فعلی رژیم صهیونیستی افزایش تلفات فلسطینی‌ها و اشغال بخش‌هایی از نوار غزه است

هدف بعدی صهیونیست‌ها از ادامه درگیری‌ها، اشغال بخش‌هایی از نوار غزه بود، براتی در توضیح این هدف اسرائیلی‌ها گفت: «مساله بعدی این است که اسرائیل می‌خواهد یک منطقه حائلی در شمال نوار غزه ایجاد کرده و یک محدوده عملیاتی را در شمال نوار غزه تعریف کند. به همین جهت عمده عملیات زمینی خود را به این منطقه معطوف کرد که از شمال غزه تا محله وادی غزه شامل می‌شود. اسرائیل اعلام کرد که فلسطینی‌ها از این محدوده خارج شوند و به مناطق جنوبی‌تر بروند. هدف این بود که این اقدام برای آنها آسان‌تر بشود. تقریبا تا این لحظه از این محدوده شمالی نوار غزه چیزی حدود ۳۰ درصد به تصرف اسرائیلی‌ها درآمده و روند پیشروی صهیونیست‌ها با سرعت پایین و با تلفات نسبتا بالا به نسبت قبل از شروع حمله زمینی، ادامه دارد. احتمالا صهیونیست‌ها می‌خواهند این محدوده شمالی را تصرف کنند و اگر موفق شدند، در محدوده جنوبی هم کلیه بخش‌های مجاور مرز خودشان با غزه را به تصرف دربیاورند اما ممکن است که نتوانند در هیچ‌کدام از این موارد موفق شوند. باید ببینیم که روند عملیات بین دو طرف چگونه پیش می‌رود و نیروهای مقاومت چقدر می‌توانند جنگ را فرسایشی کرده و مانع پیشروی صهیونیست‌ها بشوند؛ اگرچه آنها در اشغال یک منطقه موفق شدند، اما اینکه برای بعد از اشغال چه برنامه‌ای دارند ابهام وجود دارد که آیا می‌توانند آن را حفظ کنند یا مثل جنگ ۳۳ روزه که سال ۲۰۰۶ آمدند و محدوده‌ای را اشغال کردند و نهایتا مجبور شدند از این مرزها خارج شوند، مجبور می‌شوند این منطقه را در ادامه ترک کنند. بنابراین این تصور که رژیم صهیونیستی استراتژی مشخصی ندارد، در این برهه از جنگ اصلا صحیح نیست. صهیونیست‌ها استراتژی مشخصی را دنبال می‌کنند که بخش‌هایی از آن گرفتن تلفات و اشغال بخش‌هایی از غزه است.»

سیاست‌های رژیم صهیونیستی باعث افزایش محبوبیت حماس شده است

ضربه وارد کردن به حماس هدف دیگری بود که صهیونیست‌ها در بلندمدت به دنبال تحقق آن هستند. این کارشناس مسائل اسرائیل در این رابطه گفت: «هدف بلندمدت رژیم صهیونیستی این است که ضربه بزرگی به حماس بزند و اگر توانست حماس را از غزه بیرون کند. از بین بردن حماس غیرممکن است چون طرفداران زیادی در غزه دارد و رفتار و سیاست‌های اسرائیل در سال‌های اخیر باعث افزایش محبوبیت حماس شده است. یعنی اگر رژیم صهیونیستی می‌خواهد محبوبیت حماس کم شود، باید می‌آمد و به رقیب حماس، یعنی تشکیلات خودگردان، امتیازات بیشتری می‌داد ولی دقیقا اقداماتی انجام داده که مردم فلسطین چه در کرانه باختری چه در غزه بیش از پیش به سمت ایده مقاومت کشیده می‌شوند و ایده صلح و سازش در طول این سال‌ها بیشتر از رونق افتاده تا اینکه مردم بخواهند طرفدار آن بشوند. در بلندمدت صهیونیست‌ها مایل هستند که حماس کلا از معادلات غزه و فلسطین حذف شود و یا یک نیروی مختلط عربی با نظارت اردن و مصر جایگزین آن شود. آنها اگر بخواهند امتیاز زیادی به فلسطینی‌ها بدهند، نهایتا قائل به این هستند که تشکیلات خودگردان با حمایت و نظارت بین‌المللی و آمریکا در غزه و بخشی از غزه حاکمیت را به عهده بگیرد.»

علیرضا تقوی‌نیا، کارشناس مسائل منطقه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

جنگ تازه شروع شده و جبهه‌های دیگری هم علیه رژیم صهیونیستی گشوده می‌شود

بعد از گذشت بیش از ۴۰ روز از آغاز تهاجم رژیم صهیونیستی به غزه این رژیم همچنان نتوانسته به دستاورد بزرگی دست یابد اما ترجیح داده تمام وجهه خود را در برابر افکار عمومی جهان تخریب کرده تا بلکه بتواند برای خود پیروزی بسازد. برای بررسی اینکه رژیم صهیونیستی از تداوم جنایات بی‌حاصل چه هدفی را مد نظر قرار داده، با علیرضا تقوی‌نیا، کارشناس مسائل منطقه به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. تقوی‌نیا معتقد است: «جنگ تازه شروع شده، خیلی طول می‌کشد، تلفات شدیدی دارد، جبهه‌هایی جدیدی علیه اسرائیل باز خواهد شد و این نشان می‌دهد که وضعیت اسرائیل روزبه‌روز به سمت وخامت می‌رود. مقاومت دارد هر روز برگ برنده‌های جدیدی رومی‌کند و معلوم نیست که تاب‌آوری اسرائیل تا چه میزانی ادامه پیدا کرده و جبهه داخلی اسرائیل اعم از اقتصادی و نظامی بتواند این جنگ را تحمل کند.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت رژیم صهیونیستی از تداوم جنگ غزه چگونه قابل دسته‌بندی است و این رژیم تا چه حدی توانسته اهداف خود را پیش ببرد؟

اسرائیل یک ضربه خیلی راهبردی را در ۷ اکتبر متحمل شد که من معتقدم بخش عمده آن هم روانی بود، یعنی مردم ساکن این رژیم انگاره‌های حاکم بر ذهن‌شان تغییر کرده و متوجه شده‌اند که دستگاه امنیتی آنها نمی‌تواند به نحو مطلوب از آنها حمایت کند. ضربه عملیات حماس به صهیونیست‌ها چنان سهمگین بود که جز با نابودی کامل این گروه مقاومت و نابودی کامل غزه جبران نمی‌شود. اسرائیل برای تغییر این ذهنیت چند گام تعریف کرد. گام اول این بود که قابلیت‌های نظامی حماس را از بین ببرند. اسرائیلی‌ها چون غافلگیر شدند، نتوانستند هدف دقیقی را برای خودشان تعیین کنند. آنها تا ۲۰ روز اول گیج بودند و نتوانستند خودشان را برای آغاز حمله زمینی جمع‌وجور کنند. بعد از آغاز حمله زمینی هم چند هدف را تعیین کردند. در گام اول می‌خواستند شلیک راکت‌ها را متوقف کنند تا فشار جبهه داخلی سیاسی کم شود. بعد از آن می‌خواستند اسرا را آزاد کنند و نهایتا هم حماس را از بین ببرند. تاکنون هیچ‌یک از این اهداف محقق نشده است. نه پرتاب راکت‌ها متوقف شده، نه اسرا آزاد شدند و نه حماس از بین رفته است. هر نتیجه‌ای از این جنگ به جز نابودی حماس، اسرائیل بازی را باخته است. اسرائیل ناچار است حماس را نابود کند تا بتواند ادعا کند که ۷ اکتبر دیگر تکرار نخواهد شد. لذا معتقدم که اهداف اولیه نظامی اسرائیل محقق نخواهد شد.

علی‌رغم عدم تحقق اهداف رژیم صهیونیستی، حملات این رژیم همچنان تداوم یافته است. دلیل این امر را چه می‌دانید؟

خود اسرائیلی‌ها هم نمی‌دانند دارند چه کار می‌کنند. آنها با هر هزینه‌ای می‌خواهند غزه را تصرف کرده و حماس را نابود کنند تا یک بار برای همیشه تکلیف این قضیه مشخص شود. باور شخصی من این است که اسرائیل تازه دارد وارد جنگ اصلی می‌شود. اسرائیل در مناطق شهری به‌طور جدی ورود نکرده بود. اسرائیل هنوز نتوانسته وارد شهر شود و در اطراف غزه مستقر است. آنها هنوز وارد منطقه شهری نشده و سعی داشتند از ورود به بیمارستان الشفا برای خودشان دستاورد بسازند. بعد از تصرف بیمارستان دیدند که هیچ چیز به درد بخوری در آن وجود ندارد که بتوانند روی آن مانور داده و تبلیغات کنند. نه اسیری هست، نه تونلی وجود دارد و نه سران حماس آنجا هستند. این یک شکست خیلی سنگین روانی و اطلاعاتی برای اسرائیلی‌ها بود.

با وجود این شکست این رویه تا چه زمانی قرار است ادامه پیدا کند؟

جنگ تازه شروع شده، خیلی طول می‌کشد، تلفات شدیدی دارد، جبهه‌هایی جدیدی علیه اسرائیل باز خواهد شد و این نشان می‌دهد که وضعیت اسرائیل روزبه‌روز به سمت وخامت می‌رود. نکته دیگری که باید عرض کنم این است که مقاومت دارد هر روز برگ برنده‌های جدیدی رومی‌کند و معلوم نیست که تاب‌آوری اسرائیل تا چه میزانی ادامه پیدا کرده و جبهه داخلی اسرائیل اعم از اقتصادی و نظامی بتواند این جنگ را تحمل کند.

اینکه رژیم صهیونیستی توانسته در بخش‌هایی از خاک غزه نفوذ کند، باعث ترغیب اسرائیل به گسترش نبرد نخواهد بود؟

اسرائیل به هیچ یک از اهدافی که تعیین کرده بود نرسید. یعنی نتوانست غزه را بگیرد و تونل‌های حماس را نابود کند. قرار بود مردم غزه را به مصر کوچ اجباری بدهد که آن هم محقق نشد. مردم غزه حاضر نشدند به مصر بروند و در جنوب نوار غزه باقی ماندند. همچنین تلفات بالایی رژیم داده است. لذا این رژیم نه به اهداف کوتاه‌مدت خود رسیده و نه به بلندمدت. دارد بلاهای بیشتری هم سر رژیم می‌آید. بنابراین، این رژیم تا به الان شکست خورده است. هیچ‌گونه شاخصی که ما بتوانیم براساس آن اعلام کنیم اسرائیل دستاورد داشته، وجود ندارد. حتی یک اسیر توسط جهاد اسلامی و حماس آزاد نشده است. هیچ کدام از فرماندهان شاخص حماس هم کشته نشده‌اند، لذا اسرائیل ناچار است جنگ را طولانی کند تا با دستاورد خارج شود اما تحقق یک دستاورد مناسب که نتانیاهو بتواند به افکار عمومی رژیم عرضه کند، ممکن است ماه‌ها طول بکشد. در این مدت امکان وقوع اتفاقات دیگری نیز وجود دارد و جبهه مقاومت هر آن ممکن است برگ برنده جدیدی رو کند. اتفاق دیروز در یمن اتفاق کوچکی نبود و من فکر می‌کنم که رژیم صهیونیستی تاب‌آوری این را ندارد که ماه‌ها جنگ را به شیوه فعلی ادامه دهد.

اگر جنگ در همین وضعیت متوقف شود چه نتایجی برای صهیونیست‌ها دارد؟

مشکل اسرائیل اینجاست که آقای نتانیاهو نخست‌وزیرش قدرت را خیلی دوست دارد و نمی‌خواهد از آن کناره‌گیری کند. اگر جنگ در شرایط فعلی تمام شود نتانیاهو باید استعفا دهد. حتی بعضی از اعضای حزب لیکود رسما اعلام کردند که به نتانیاهو رای اعتماد نخواهند داد. بنابراین نتانیاهو جنگ را ادامه می‌دهد و سعی می‌کند به زعم خودش دستاوردی کسب کند. این امر اما ممکن است به قیمت متحمل شدن آسیب‌های راهبردی برای رژیم تمام شود. من معتقدم آتش‌بس پنج روزه چیزی است که آمریکا برای کاستن فشار از روی خود به دنبال آن است، چه در افکار عمومی و چه در منطقه که محور مقاومت دارد به خاطر جنایت رژیم صهیونیستی به آمریکا حمله می‌کند. خود آتش‌بس نیز نشانه شکست است.

چرا نتانیاهو ایده تبادل اسرا را برنمی‌تابد؟ برنامه او برای مدیریت پساجنگ غزه چیست؟

اگر اسرای غیرنظامی فلسطینی با اسرای صهیونیستی تبادل شوند، شکست بزرگی برای نتانیاهویی خواهد بود که اعلام می‌کرد هیچ‌گونه مذاکره‌ای برای تبادل اسرا نخواهد داشت. نتانیاهو فعلا دارد منافع شخصی‌اش را به منافع رژیم صهیونیستی ترجیح می‌دهد. هدف نهایی آنها این است که بتوانند غزه را کنترل کرده و مردمش را به مصر کوچ دهند. با کشورهای عربی همچون امارات و عربستان سعودی نیز تا حدی توافق کرده‌اند اما مصر هنوز قبول نکرده است. دنبال این هستند که غزه به یک منطقه آزاد و بی‌طرف تبدیل شود تا برای اسرائیل تهدیدی نباشد.

این منطقه بی‌طرف را چه کسی مدیریت می‌کند؟

ایده‌های مورد نظر آنها کنترل غزه توسط نیروهای سازمان ملل، آمریکا یا ائتلافی از کشورها است. اما بعید است که آنجا را به تشکیلات خودگردان بسپارند. چون اگر تشکیلات خودگردان در غزه باشد، مردم غزه هم باید باشند، درحالی‌که رژیم صهیونیستی به دنبال بیرون کردن حماس است. وقتی می‌گوییم تشکیلات خودگردان اداره‌کننده باشد، یعنی مردم باشند اما حماس نباشد. اما اسرائیل می‌گوید تا زمانی که مردم آنجا باشند، حماس هم خواهد بود.

این امکان وجود دارد که به بهانه اتفاقات غزه و ناآرامی‌های کرانه باختری رژیم صهیونیستی ایده گرفتن مدیریت کرانه باختری از تشکیلات خودگردان را مطرح کند؟

نه بعید است، چون جمعیت فلسطینی‌های کرانه باختری ۳,۵ میلیون نفر است و رژیم صهیونیستی همین الان هم برای اداره آنجا با مشکل روبه‌رو بوده و نیاز به حضور تشکیلات خودگردان دارد. بنابراین بعید است که بخواهد چنین کاری را انجام دهد چون کرانه غربی یک منطقه صددرصد اشغالی است و دنیا خواهان عقب‌نشینی اسرائیل است اما اسرائیل با همین شیوه کژ دار و مریزش از طریق ارتباط با تشکیلات خودگردان، دارد اعتراضات دنیا و حتی بخشی از جامعه فلسطینی کرانه باختری را کنترل می‌کند.

ادامه در صفحه ۷